

# تاریخچه آموزش و پرورش استان قزوین

● ابراهیم صفاری\*

## اشاره

ارائه تاریخچه مدارس قدیمی و آموزش در شهرها و شهرستان‌های مختلف کشور یکی از سنت‌های این فصلنامه می‌باشد که در هر شماره به بررسی تاریخ مدارس قدیمی اقصی نقاط کشور جهت آشنایی محققان و پژوهشگران پرداخته می‌شود و البته سعی ما بر این است که در این معرفی از خود محققان بومی آن مناطق در تهیه این مطالب کمک بگیریم. در این شماره هم به معرفی تاریخچه مدارس قزوین به قلم آقای ابراهیم صفاری از پژوهشگران بومی و قزوینی تاریخ تعلیم و تربیت که مجموعه‌ای را در این موضوع تهیه و منتشر نموده‌اند به شرح ذیل، می‌پردازیم.

## مقدمه

اگر تاریخ آموزش و پرورش ایران از ابتدا تاکنون تهیه گردد، گردآوری و تدوین آن به‌عنوان یک گنجینه که نشان‌دهنده سیر تحولات فکری و فرهنگ این مرز و بوم است تهیه‌شده و سپس می‌تواند راهنما و هادی برنامه‌ریزان و دست‌اندرکاران تحولات فرهنگی در حال و آینده شود. اگر بدانیم که بودیم، خواهیم دانست که هستیم و این که آینده را چگونه بر پایه تجربیات دیروز و دستاوردهای امروز می‌توانیم بسازیم. فداکاری گذشتگان فرهنگی باید در سندی ثبت شود و نام پرافتخار آنان چراغ راه امروز و فردای دلسوزان این سرزمین گردد. با این هدف، کتاب «تاریخچه فرهنگ و مدارس سرزمین قزوین بر مبنای تعلیمات نوین» پس از تصویب سازمان آموزش و پرورش استان قزوین با پنج سال تلاش بی‌وقفه در ۴ جلد و ۳۰۱۲ صفحه گردآوری شد که بدون اغراق کار بی‌نظیری است و می‌تواند راهنمای عملی سایر استان‌ها شود.

مسیر پیموده شده راه آسان و هموار نبود. تهیه تاریخچه ۱۹۸۰ واحد آموزشی از سال ۱۲۸۲ هـ. ش تا ۱۳۸۳ هـ. ش با تکیه بر اسناد دقیق از طریق ارسال پرسشنامه‌ای در ۹ بند به کلیه مراکز آموزشی و مراجعه به کانون بازنشستگان فرهنگی، کتابخانه‌های استان و کتابخانه‌های: ملی، مجلس، دانشگاه تهران، استان قدس رضوی، مرکز اسناد، سالخوردگان

E-mail: .....

\* محقق و پژوهشگر حوزه تاریخ تعلیم و تربیت

فرهنگی شهر و وزارتخانه‌هایی که به مناسباتی با امور آموزشی مرتبط بودند نظیر کشاورزی در امر فلاحت، وزارت کشور در مسائل مالی و تأمین هزینه‌های فرهنگی و سالنامه‌ها و مجلات و روزنامه‌های قدیم و کتاب‌هایی که در زمینهٔ تعلیم و تربیت مدارس نوین تألیف گشته است امکان‌پذیر شد. این مهم با سفرهای متعدد به مراکز بخش‌ها و آبادی‌هایی که در آن‌ها مدرسه دایر بود جهت دسترسی به آمار دقیق‌تر از جمله مسافرت به ۴۰۰ روستای استان و تماس حضوری و تلفنی با مراکز سیزده‌گانه آموزشی استان (۱۳ منطقه) به‌ثمر رسید.

کتاب تاریخچه  
در ۲۳ هزار جلد و  
در قطع وزیری و  
جلد سخت همراه  
۱۱۰۰ عکس از  
واحدهای آموزشی  
استان تهیه شد

کتاب تاریخچه در ۲۳ هزار جلد و در قطع وزیری و جلد سخت همراه ۱۱۰۰ عکس از واحدهای آموزشی استان تهیه و با ارسال مجموعه ۴ جلدی برای وزیر آموزش و پرورش و کلیهٔ مدیران کل استان‌ها از آن‌ها دعوت شد تا به این کار عظیم اهتمام ورزند و یاد و نام رسولان فرهنگی این مرز و بوم را در تاریخ ایران ثبت نمایند.

### □ تاریخچهٔ فرهنگ و مدارس قزوین

تاریخ گزیدهٔ حمدالله مستوفی و مجلد اول و دوم کتاب مینودر مرحوم محمدعلی گلریز را مشتق نمودار خروار از توجه مردم این سرزمین به علم و انبوه علما و فضلا و شعرا و ادبا و هنرمندان و صنعتگران و صاحبان صنایع ظریفه به‌حساب آوریم. فهرستی که از مدارس و مکاتب این شهر، نه برحسب استقضاء کامل تهیه شده است و ذیلاً نقل می‌گردد گواه صادق این مدعاست:

#### ◆ الف: مدارس

مدرسه امام ابواسماعیل ناصرالدين حمدانی که در فتنهٔ سال ۵۰۰ هجری خراب شده بود و بعد به دستور سلطان محمد بن ملکشاه سلجوقی از نو عمارت کردند و تا سال تألیف کتاب «النقض» عبدالجلیل قزوینی (۵۵۶ تا ۵۶۰ هجری) دایر بوده است.<sup>۱</sup>

- مدرسه‌ای که قاضی زین‌الدین مجدالملک در زمان وزارتش به عهد سلطان محمد خوارزمشاه (اواخر قرن ششم هجری) بر در مسجد جامع کبیر ساخته است.<sup>۲</sup>
- مدرسه عنبریه.<sup>۳</sup>
- مدرسه اینتگین ترکی در رأس کوکبره.<sup>۴</sup>
- مدرسه امیر زاهد خمارتاش در محله پنبه ریه.<sup>۵</sup>

۱. کتاب النقض به تصحیح محدث ارموی از انتشارات انجمن آثار ملی چاپ دوم ۱۳۵۸ شمسی (ص ۳۶)

۲. تاریخ گزیده (ص ۸۱۴).

۳. التدوین (ج ۱ ص ۱۱۷).

۴. التدوین (ج ۱ ص ۵۵).

۵. التدوین (ج ۳ ص ۲۹۱ و ۲۹۲)

- مدرسه ابوعبدالله خلیلی.<sup>۱</sup>
- چهار مدرسه اخیر در قرن هفتم هجری دایر بوده‌اند.
- مدرسه التفاقیه که خواجه التفات در عهد مغول ساخته است و هنوز برجاست و دایر.<sup>۲</sup>
- مدرسه رزمساریه مربوط به دوران سلطنت شاه طهماسب اول (۱۳۰ تا ۹۸۴).<sup>۳</sup>
- مدرسه خلیفه سلطان مربوط به دوران پادشاهی شاه طهماسب اول صفوی.<sup>۴</sup>
- مدرسه نواب سلطان مربوط به دوران سلطنت شاه عباس اول.<sup>۵</sup>
- مدرسه پیغمبریه مربوط به زمان شاه عباس دوم صفوی (با تاریخ ۱۰۵۴) که برجا و دایر است.<sup>۶</sup>
- مدرسه ملاوردیخان مربوط به دوران صفویه که برجا و دایر است.<sup>۷</sup>
- مدرسه پنجه علی مربوط به دوران صفویه که اکنون با نام امام صادق (ع) دایر است.<sup>۸</sup>
- مدرسه حیدریه از بناهای دوران قاجاریه.<sup>۹</sup>
- مدرسه سردار در محله قملاق، از بناهای حسین خان سردار و حسن خان سردار قزوینی در ۱۲۳۱ قمری که برجاست.<sup>۱۰</sup>
- مدرسه آقاسی در محله خیابان که «حاج میرزا آقاسی» و «مسعودیه» و «شیخ‌الاسلام» نیز نامیده شده است و هم‌اکنون بر پا و دایر است.<sup>۱۱</sup>
- مدرسه شعبان کردی در محله سکه شریحان.<sup>۱۲</sup>
- مدرسه جدید در محله آخوند.<sup>۱۳</sup>
- مدرسه صالحیه در محله قملاق.<sup>۱۴</sup>
- مدرسه ملاحسن مجتهد در محله‌ی سکه شریحان.<sup>۱۵</sup>

۱. التدوین (ج ۱ ص ۱۲۳).
۲. مینودر گریز، از انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۳۷ شمسی (ج ۱ ص ۵۶۱).
۳. خلدبرین به تصحیح میرهاشم محدث از انتشارات موقوفات دکتر افشار ۱۳۷۲ شمسی (ص ۴۷۹).
۴. سیاحتنامه شاردن ترجمه عباسی (ج ۳ ص ۳۶) و ترجمه اقبال یغمایی از انتشارات توس ۱۳۷۴ شمسی (ج ۲ ص ۵۰۷) و کتاب مینودر (ج ۱ ص ۵۶۵).
۵. دیوان واعظ قزوینی به تصحیح دکتر سادات ناصری از انتشارات علی اکبر علمی، تهران ۱۳۵۹ شمسی (ص ۵۷۶).
۶. کتاب مینودر (ج ۱ ص ۵۶۱ تا ۵۸۰).
۷. همان
۸. همان
۹. همان
۱۰. همان
۱۱. همان
۱۲. همان
۱۳. همان
۱۴. همان
۱۵. همان

مکتب‌خانه‌ها  
بسیار بوده و  
در آن‌ها مقدمات  
خواندن و نوشتن  
و بیشتر قرائت  
قرآن کریم آموخته  
می‌شده است

- مدرسه حاج علی.<sup>۱</sup>
- مدرسه حاجی ابراهیم.<sup>۲</sup>
- مدرسه مقبره‌ی مرحوم آخوند در محله آخوند.<sup>۳</sup>
- مدرسه حاج سید تقی در محله خندقبار.<sup>۴</sup>

#### ◆ ب: مکتب‌خانه‌ها

مکتب‌خانه‌ها نیز بسیار بوده و در آن‌ها مقدمات خواندن و نوشتن و بیشتر قرائت قرآن کریم آموخته می‌شده است و در مراحل بعد به کتاب‌های فارسی چون گلستان سعدی و کتاب‌های مذهبی خاصه در مراثی چون جودی و جوهری و اشعار محتشم و غیره می‌پرداخته‌اند. اداره‌کنندگان این مکتب‌ها زنان نیز بوده‌اند و در دورانی عنوان ملا باجی داشته‌اند. از جستجو در منابع و مآخذ مربوط می‌توان نام و مکان آن‌ها را در شهر یافت. اینجا به‌عنوان نمونه آنچه را که از کتابچه‌ی سرشماری سال ۱۲۹۹ قمری قزوین به دست آورده‌ایم با مواردی که در کتاب مینودر مرحوم گلریز آمده است نقل می‌کنیم و سپس آماری از این مکتب‌خانه‌ها را که در سال ۱۳۱۵ شمسی تهیه شده است و متضمن نام مکتب‌داران و تعداد نوآموزان است بدان ملحق می‌سازیم:

- مکتب‌خانه صفه عبدالحمید خان در گذر سر کلک محله قوی میدان.<sup>۵</sup>
- مکتب‌خانه جنب آب‌انبار حاج صالح خان در گذر گوسفند میدان محله قوی میدان.<sup>۶</sup>
- مکتب‌خانه در گذر گوسفند میدان موقوفات مولاوردیخان.<sup>۷</sup>
- مکتب‌خانه جنب خانه حاج حسنعلی در گذر سنگه کوهه محله قوی میدان.<sup>۸</sup>
- مکتب‌خانه جنب مسجد محمدخان بیگ در گذر صوفی محله‌ی قوی میدان.<sup>۹</sup>
- مکتب‌خانه جنب حمام محمدصادق خان در گذر شیخ‌آباد محله قوی میدان.<sup>۱۰</sup>
- مکتب‌خانه جنب امامزاده علی (ع) در محله گلبینه.<sup>۱۱</sup>
- مکتب‌خانه شیخ‌علی شالی معروف به سکاکی در مدرسه شعبانگردی محله سکه شریحان.<sup>۱۲</sup>

۱. همان

۲. همان

۳. همان

۴. همان

۵. کتابچه سرشماری قزوین جزء مجموعه ناصری کتابخانه کاخ گلستان (ص ۹، ۵۲ و ۵۸ و ۱۵۲ و ۱۷۱).

۶. همان

۷. همان

۸. همان

۹. همان

۱۰. همان

۱۱. مینودر (ج ۱ ص ۵۵۶ و ۵۷۱ و ۵۷۲ و ۶۸۳ و ۶۸۴ و ۶۸۶).

۱۲. همان

- مکتب‌خانه سر حمام بلور محله آخوند<sup>۱</sup>
  - مکتب‌خانه ملا ابراهیم طالقانی در جنب مسجد سبز محله آخوند.<sup>۲</sup>
  - مکتب‌خانه سرگذر اطفال روبه‌روی سرداب مقبره‌ی شارح قاموس در محله درب ری.<sup>۳</sup>
- آماري که کلانتری‌های بازار و مرکز قزوین به این شرح از مکتب‌خانه‌های شهر تهیه کرده‌اند ۱۹ مکتب پسرانه و ۱۰ مکتب دخترانه و ۴۲ مکتب مختلط را با ۹۰۳ شاگرد پسر و ۳۵۳ شاگرد دختر و ۲۱ مکتب‌دار مرد و پنجاه مکتب‌دار زن نشان می‌دهد و ظاهراً این آمار به قصد تعطیل کردن مکتب‌خانه‌ها به امر دولت و لزوم فرستادن شاگردان به مدارس جدید تهیه شده است که به امر و باعث آن قریباً اشاره خواهد شد. یکی دو مکتب مندرج در این آمار همان است که در کتاب مینودر آمده بود:
- مکتب‌خانه مدرسه شیخ‌الاسلام. مکتب‌دار عبدالکریم عاملی با ۳۰ شاگرد ذکور.
  - مکتب‌خانه کوی بلاغی منزل عبدالکریم. مکتب‌دار زهرا بیگم عاملی با ۳ شاگرد ذکور و ۷ اناث.
  - مکتب‌خانه کوی بلاغی منزل عبدالکریم. مکتب‌دار رقیه بیگم قافله‌باشی با ۸ شاگرد ذکور و ۱۶ اناث.
  - مکتب‌خانه پنبه ریسه کوچه قارقچیان. مکتب‌دار نجیبه خانم جمشیدی با ۲ شاگرد ذکور و ۲ اناث.
  - مکتب‌خانه پنبه ریسه منزل حسن خان قهوه‌چی. مکتب‌دار فاطمه خانم جمشیدی با ۱ شاگرد پسر و ۵ دختر.
  - مکتب‌خانه پنبه ریسه منزل حسن خان قهوه‌چی. مکتب‌دار زینت خانم جمشیدی با ۳ شاگرد پسر و ۵ دختر.
  - مکتب‌خانه پنبه ریسه کوچه قارقچیان. مکتب‌دار عمه بیگم جمشیدی با ۵ شاگرد پسر.
  - مکتب‌خانه مدرسه‌ی شیخ‌الاسلام. مکتب‌دار غلامحسین جارچی با ۵۰ شاگرد پسر.
  - مکتب‌خانه پنبه ریسه گذر امینه خاتون منزل علی آقا. مکتب‌دار فاطمه خانم با یک شاگرد پسر و ۶ دختر.
  - مکتب‌خانه محله گوسفند میدان خیابان تبریز. مکتب‌دار میرزا علی اکبر قانعی با ۱۰ شاگرد پسر.
  - مکتب‌خانه محله آخوند. مکتب‌دار حاج شیخ ابوالقاسم عاملی با ۴۵ شاگرد پسر.

۱. همان

۲. همان

۳. همان

- مکتب‌خانه محله دیمچ کنار رودخانه. مکتب‌دار آقا شیخ محمدتقی شالی با ۲۰ شاگرد پسر.
- مکتب‌خانه محله دیمچ کنار رودخانه. مکتب‌دار کاتبی با ۳۵ شاگرد پسر.
- مکتب‌خانه محله سکه شریحان کوچه کلانتر. مکتب‌دار شیخ مهدی کیائی با ۴۲ شاگرد پسر.
- مکتب‌خانه محله دباغان. مکتب‌دار شیخ نصرالله جباری با ۲۰ شاگرد پسر.
- مکتب‌خانه محله خندقبار کوچه نظریگ. مکتب‌دار حاج اسماعیل آذربایجانی با ۲۷ شاگرد پسر.
- مکتب‌خانه محله گوسفند میدان گذر سرکلک. مکتب‌دار لیلی خانم بُداغی با ۵۰ شاگرد دختر.
- مکتب‌خانه جنب دروازه‌ی رشت محله گوسفند میدان. مکتب‌دار کبری خانم شمشاد با ۵ شاگرد دختر.
- مکتب‌خانه محله سکه شریحان. مکتب‌دار کبری خانم طالقانی با ۹ شاگرد دختر.
- مکتب‌خانه محله سکه شریحان. مکتب‌دار لیلی خانم با ۵ شاگرد دختر.
- مکتب‌خانه محله حلاجان کوچه آقا سید جمال. مکتب‌دار فاطمه خانم با ۲ شاگرد دختر.
- مکتب‌خانه محله حلاجان کوچه آقا سید جمال. مکتب‌دار زهرا خانم با ۵ شاگرد دختر.
- مکتب‌خانه محله خندقبار کوچه باروتی‌ها. مکتب‌دار شاه باجی خانم با ۶ شاگرد دختر.
- مکتب‌خانه تکیه حسن نایب. مکتب‌دار شیخ محمد با ۳۵ شاگرد پسر.
- مکتب‌خانه زرگر کوچه. مکتب‌دار شیخ تقی با ۶۲ شاگرد پسر.
- مکتب‌خانه کوچه آب‌انبار لالو. مکتب‌دار رحمه خانم با ۲ شاگرد پسر و ۳ دختر.
- مکتب‌خانه ایری کوچه. مکتب‌دار فرخ خانم با ۱۱ شاگرد پسر و ۱۱ شاگرد دختر.
- مکتب‌خانه ایری کوچه. مکتب‌دار حاجیه خاتون با ۲ شاگرد پسر و ۵ دختر.
- مکتب‌خانه شیخ‌آباد. مکتب‌دار زهرا خانم با ۶ شاگرد پسر و ۳ دختر.
- مکتب‌خانه شیشه‌گر. مکتب‌دار سکینه بیگم با ۲ شاگرد پسر و ۶ دختر.
- مکتب‌خانه حلیمه خاتون. مکتب‌دار سکینه سلطان با ۶ شاگرد پسر و ۱۲ دختر.
- مکتب‌خانه حلیمه خاتون. مکتب‌دار لیلی خانم با ۸ شاگرد پسر و ۱۲ دختر.
- مکتب‌خانه محله راه کوشک بازارچه آکبیر. مکتب‌دار سلطان خانم با ۴ شاگرد پسر و ۱۱ دختر.

- مکتب‌خانه دالان حاج محمدرضا. مکتب‌دار ربابه‌خانم با ۱۲ شاگرد پسر و ۶ دختر.
- مکتب‌خانه کوچه رضوی‌ها. مکتب‌دار فاطمه سلطان‌خانم با ۶ شاگرد پسر و ۷ دختر.
- مکتب‌خانه سنگ پانزده محله درب کوشک. مکتب‌دار صغراخانم با ۴ شاگرد پسر و ۸ دختر.
- مکتب‌خانه آحمد ارباب محله درب کوشک. مکتب‌دار لعیاخانم با ۴ شاگرد پسر و ۶ دختر.
- مکتب‌خانه سوخته چنار محله درب کوشک. مکتب‌دار بلقیس‌خانم با ۴ شاگرد پسر و ۴ دختر.
- مکتب‌خانه سید جعفر قوامی در بخش بازار با ۴۱ شاگرد پسر.
- مکتب‌خانه فاطمه خانم شهیدی با ۱۵ شاگرد دختر.
- مکتب‌خانه طوبی خانم شفیع‌ی با ۱۶ شاگرد پسر و ۷ دختر.
- مکتب‌خانه شیخ حسن و حاجی عباس با ۲۰ شاگرد پسر و ۸ دختر.
- مکتب‌خانه کبری خانم و آقا فرج‌الله با ۸ شاگرد پسر و ۶ دختر.
- مکتب‌خانه فاطمه بیگم قافله باشی با ۲ شاگرد پسر و ۵ دختر.
- مکتب‌خانه فاطمه خانم کاشی با ۸ شاگرد دختر.
- مکتب‌خانه رقیه خانم مدرس با ۸ شاگرد پسر و ۸ دختر.
- مکتب‌خانه صدیقه خانم طاهری با ۷ شاگرد پسر و ۱۳ شاگرد دختر.
- مکتب‌خانه ام لیلا خانم تمورها با ۲ شاگرد پسر و ۲ دختر.
- مکتب‌خانه طاهرخان حداد با ۱۵ شاگرد دختر.
- مکتب‌خانه شیخ نقی با ۳۵ شاگرد پسر.
- مکتب‌خانه شیخ حسن جوادی با ۲۲ شاگرد پسر.
- مکتب‌خانه شیخ محمد جباری با ۵۵ شاگرد پسر.
- مکتب‌خانه شیخ ابوالقاسم خاظمی با ۲۵ شاگرد پسر.
- مکتب‌خانه نصرت‌الله سمندری با ۱۸ شاگرد پسر.
- مکتب‌خانه سکینه بیگم ضیاء‌آبادی با ۴ شاگرد پسر و ۵ دختر.
- مکتب‌خانه سکینه سلطان‌حاتمی با ۱۰ شاگرد پسر و ۲۰ دختر.
- مکتب‌خانه رقیه خانم خوناری با ۱۳ شاگرد پسر و ۱۲ دختر.
- مکتب‌خانه صغراخانم زوارهای با ۱۰ شاگرد پسر و ۲۰ دختر.
- مکتب‌خانه اشرف‌السادات میرشجاعی با ۱۰ شاگرد پسر و ۸ دختر.
- مکتب‌خانه فاطمه سلطان‌ملائی با ۱۲ شاگرد پسر و ۱۲ دختر.

- مکتب‌خانه صغری خانم حصارى با ۱۱ شاگرد پسر و ۱۲ دختر.
- مکتب‌خانه فاطمه سلطان خانیان با ۸ شاگرد پسر و ۸ دختر.
- مکتب‌خانه جمیله خانم فالگیرها با ۳ شاگرد پسر و ۳ دختر.
- مکتب‌خانه صغری خانم سلطانی با ۴ شاگرد پسر و ۶ دختر.
- مکتب‌خانه فاطمه خانم خرکشها با ۵ شاگرد پسر و ۵ دختر.
- مکتب‌خانه زهرا خانم تلویان با ۶ شاگرد پسر و ۸ دختر.
- مکتب‌خانه فرخ خانم طوطی با ۶ شاگرد پسر و ۴ دختر.
- مکتب‌خانه ملاحسن تقی‌زاده با ۲۰ شاگرد پسر و ۲ دختر.
- مکتب‌خانه ملاحسین در مسجد محمدخان بگ با ۱۵ شاگرد پسر.

علاوه بر مدارس و مکتب‌خانه‌ها، بیشتر کسانی که امکانات داشتند در خانه برای فرزندان خود، به‌ویژه برای دختران، معلم سرخانه می‌آوردند که به آنان خواندن و نوشتن و قرائت کلام‌الله مجید و خط تعلیم می‌دادند. پدران و گاه برادران نیز در مواردی عهده‌دار تعلیم فرزندان و خواهران خود می‌بوده‌اند.

طالبان علم حوزه‌های علمیه و مدارس قدیم را سه گروه معمولاً تشکیل می‌دادند و انبوهی این گروه‌ها خود نشان‌دهنده بسط تعلیم و اهتمام بدان در قزوین بوده است: گروهی که بستگی به خانواده‌های صاحب حرفه و کسب و تجارت داشتند به تحصیل مقدمات و مسائل فقهی و شرعی می‌پرداختند تا در پیشه و حرفه و بازرگانی که محل اشتغال و ممر معاش آنان بود به مسائل محاسباتی و تکالیف شرعی و احکام قرآنی آگاه



نمایی از  
دبستان امید  
واقع در روستای  
بوکان الموت بالا  
تأسیس ۱۳۰۲ شمسی



باشند و حلال از حرام بدانند و به حوادث تاریخی و عوامل جغرافیایی و اوضاع اجتماعی اشعاری داشته باشند و با دیدن کتاب‌هایی نظیر گلستان و بوستان سعدی و دیوان خواجه شیراز و کتاب‌های مغازی و مراثی در تحریر و تکلم دستی و مهارتی نشان دهند و در مجامع و محافل وقتشان را با مطرح ساختن، مباحث مفید و آموزنده بگذرانند.

گروهی دیگر با تحصیل مقدمات مورد اشاره، به سبب نیاز و نداشتن امکانات و احساس عدم استعداد برای ادامه تحصیلات و یا به نیت خدمت به هم‌نوع خود به بخش‌ها و روستاها می‌رفتند تا نور معرفت و تعالیم عالیه دینی و انسانی را به نقاط دوردست که معمولاً در آن نواحی امکان برقراری مدارس و مکاتب کمتر بوده است برسانند و رفع نیازهای اجتماعی و ارتباطی ساکنان آن نواحی بکنند و به تکالیف و وظایف شرعی و عرفی آگاهشان سازند. گروه سوم نخبگانی بودند که با داشتن استعداد خداداد و پشتکار، برای نیل به درجات عالیه علمی و کسب فضایل و تهذیب نفس به مراکز علمی و به خدمت عالمان بلند مقام می‌رفتند و با مجاهدت و پوشش خود صاحب‌مقامات رفیعی علمی می‌گشتند و به تألیف آثار ارزنده و تشکیل مجالس افاضه می‌پرداختند تا دیگر طالبان معرفت و کمال و دانش را از چشمه فضل و فضیلت خود سیراب سازند و پویندگان راه حقیقت و کمال و معرفت را مستفیض و مست فیض بنمایند.

از جمله نکاتی که برای شناختن درجه کمال و اهلیت صاحبان سواد در هر سه گروه مدنظر صاحبان بصیرت بود، داشتن خط خوش و متجلی بودن به این هنر ممتاز بود، هنری که یکی از دوازده یا هفده علم از علوم نزد قدما به‌شمار می‌آمد.

### ■ مدرسه امید

امید نخستین مدرسه با روش تعلیماتی نوین است که ۱۰۰ سال پیش از این در پناه بنایی که خود ۳۰۰ سال عمر داشت، یعنی در کنار سردر عالی قاپو یا مدخل عمارات دولتخانه دارالسلطنه قزوین بنیاد نهاده شد و در سال (۱۳۲۳ قمری) افتتاح گردید و چون زندگی خود، امید و حرکت است و بانیان آن نیتی پاک برای امری خیر و عام‌المنفعه داشتند بر آن مدرسه نام «امید» نهادند و خواستند که آن محل همه وقت مختص به مدرسه و تعلیم و تعلم باشد.<sup>۱</sup> مدرسه مذکور نزدیک سی سال با آن نام مرکز افاضه و استفاضه بود، آن‌گاه به‌حسب مقتضیات زمان نام «شاهپور» بر آن نهادند و پس از چند سال آن را به پایگاه دبیرستان با همان نام ارتقاء دادند و سالی چند چنین بود و پس از شهریور ۱۳۲۰ جزء دبیرستان پهلوی شد و محل آن را به دبستان پهلوی واگذارند و دیر زمانی با این حال بود، تا این‌که دگرگونی‌های اجتماعی در کشور موجب شد که نام‌های دیگر بگیرد، اما خوشبختانه نه در ارکان استوار بنا که خشت اولیه آن با پاکی اعتقاد و حسن نهاده شده بود خللی رخ داد

۱. نامه انجمن معارف قزوین به وزیر امور خارجه وقت.



مدیر، معلمان و دانش آموزان مدرسه امید عالی قزوین



میرزا صالح خان کلانتر  
تبریزی باغمیشه‌ای  
(سالار اکرم)  
حاکم قزوین  
و بانی مدرسه امید  
(نخستین مدرسه قزوین  
با روش تعلیمات نوین)

و نه وضع و حال نخستین آن که باید محل پرورش جسم و جان فرزندان این خطه و فیض بخشی معلمان دل آگاه و دلسوز باشد تغییر جهت یافت و به تعبیر زیبایی شاعر:

شد مبدل آب این جو چند بار عکس ماه و عکس اختر برقرار  
(مثنوی مولوی)

به مناسبت اولویت مدرسه و قدمت بنا و حسن تأثیر آن در اذهان روشن ساکنان شهر، حتی دیگر شهرها و از جمله مردم پایتخت تفصیل بیشتری در مورد آن و بانیان و مدیران و معلمان و کیفیت اداره آن داده می‌شود.<sup>۱</sup>

### □ صالح خان آصف‌الدوله بانی مدرسه امید

در فاصله سال‌های ۱۳۱۹ تا ۱۳۲۳ قمری حکومت قزوین را مرد صالحی داشت صالح‌نام، یعنی میرزا صالح‌خان کلاتر تبریزی باغمیشه‌ای پسر حاجی میرزا علی کلاتر. در زمان ولایتعهدی مظفرالدین‌شاه ملقب به «معمد دیوان» بود و بعد در زمان سلطنت آن پادشاه (۱۳۱۳ تا ۱۳۲۴ قمری) ملقب به وزیر اکرم و بیگلربیگی تبریز شد و سپس در سال ۱۳۱۹ قمری به حکمرانی قزوین منصوب گشت و به حکایت اسنادی که در دست است ملقب به سالار اکرم گردید.<sup>۲</sup> در سال ۱۳۲۴ قمری حاکم گیلان شد و در سلطنت محمدعلی‌شاه به سال ۱۳۲۶ قمری حاکم طهران گشت و با لقب آصف‌الدوله و پیش از به توپ بسته شدن مجلس شورای ملی به عنوان وزیر داخلی (وزیر کشور) به مجلس معرفی شد، اما چون محمدعلی‌شاه نسبت به او بدگمان شده بود او را از حکومت طهران معزول کرد. آصف‌الدوله به صف مشروطه‌خواهان پیوست و از دولتیان رویگردان گشت. روز بمباران مجلس (۲۳ جمادی‌الاولی ۱۳۲۶ قمری، هفتم خرداد ۱۲۸۷ شمسی) آصف‌الدوله به همراه افراد آذربایجانی در مقابل سپاهیان قزاق مردانه جنگید و چون قزاقان غلبه کردند، خانه او را که در مدخل میدان بهارستان بود غارت نمودند و او دیگر به شغلی نپرداخت. وی مردی متدین و فاضل و خردمند و نیکو همت بود.

باری در زمان حکومت قزوین وی، انجمنی به نام معارف تشکیل گردید و گروهی از تجددخواهان در آن شرکت جستند و به شرحی که قریباً گفته خواهد شد با همت آصف‌الدوله و بیشتر از کیسه‌ی فتوت او بنایی برای مدرسه‌ی چهار کلاسه، در کنار سردر عالی قاپو یا مدخل عمارات دولتخانه دارالسلطنه قزوین بنیاد نهادند که در سال ۱۳۲۳ قمری افتتاح شد. ساختمان مذکور یک طبقه است، راهرویی در وسط و پنج اتاق در طرف شمال

۱. در شهریور ماه ۱۳۷۸ شمسی به پیشنهاد این جانب و تصویب انجمن آثار و مفاخر فرهنگی شعبه استان قزوین نام دیرین مدرسه یعنی «امید، بار دیگر بر این مدرسه نهاده شد و بر قطعه سنگی از مرمر عبارت «امید» نخستین مدرسه با روش تعلیماتی نوین، سال تأسیس ۱۳۲۳ قمری» نفر بر سر در ورودی بنا نصب گردید. (دبیر سیاقی)  
۲. مجله نسیم قزوین مقاله نمونه تقسیم بندی زمین های ده از دکتر دبیرسیاقی (سال ۱۳۷۶ شمسی شماره ۲ ص ۲۱۶).

دارد و با پنجره‌هایی به طرف باغ و حیاط عالی قاپو و چهار اطاق در جنوب با پنجره‌هایی به خیابان مقابل (خیابان سپه). نام مدرسه را امید گذاشتند، چون زندگی خود، امید و حرکت است و بانیان آن نیتی پاک برای امری خیر و عام‌المنفعه داشتند. این مدرسه با شصت دانش‌آموز آغاز به کار کرد که سی نفر آنان به علت فقر مالی به صورت رایگان ثبت‌نام شدند.<sup>۱</sup> زمین محل قبلاً به رختشویخانه اختصاص داشت. حوض بزرگی، استخر مانند در وسط حیاط و بید کهنسالی کنار در ورودی آن بود که در سال ۱۳۱۰ شمسی (۱۳۵۰ قمری) حوض را انباشتند و در سطح حیاط که در شرق بنا بود و لوازم ورزشی از قبیل دارحلقه و پارالل و تور والیبال و سبد بسکتبال نصب کردند (در سال‌های اخیر قسمتی از شرق حیات زیر ساختمان دوطبقه رفته است و دیوار مجاور خیابان و طاق‌نماهای آن را نیز تغییر داده‌اند).

در سالنامه سال ۱۳۱۸ شمسی دبیرستان پهلوی قزوین طی مقاله‌ای نوشته شده است<sup>۲</sup> که مدرسه امید با انحلال مجلس شورای ملی (۱۳۲۶ قمری) تعطیل شده است بی‌آنکه سندی برای این سخن ارائه شود، درحالی‌که به حکایت یکی از شاگردان همان مدرسه برای نگارنده هنگام ورود ستارخان سردار ملی و باقر خان سالار ملی و مجاهدان تبریز به قزوین، وی از پنجره کلاس که اشراف به خیابان سپه و محوطه مقابل سر در عالی قاپو داشته، ناظر وارد شدن آنان به این محوطه بوده است و لذا مدرسه تعطیلی نداشته است.

در مقاله مذکور تخصیص دادن محل رختشویخانه به بنای مدرسه، به شرط مدرسه ماندن آن‌جا برای همیشه به آقا باقر سعدالسلطنه نسبت داده شده است که درست است، با این شرح که سعدالسلطنه یک نوبت به نیابت الله قلی خان ایلخانی از سال ۱۳۰۵ تا ۱۳۷۰ قمری و نوبت دیگر مستقلاً در سال‌های ۱۳۷۰ تا ۱۳۱۳ قمری در قزوین حکومت داشته است و سپس در سال‌های ۱۳۱۳ و ۱۳۱۴ همراه امین‌الدوله به آذربایجان رفته و پس از آن به حکومت ساوجبلاغ مکرری و سپس به حکومت گیلان مأمور شده و آن‌گاه به تهران احضار گردیده است و سرانجام در سال ۱۳۲۵ حکمرانی زنجان را یافته و در اواخر همان سال آنجا درگذشته است؛ بنابراین هر چند هنگام بنای مدرسه امید در قزوین نبوده است، اما در نامه‌ای که از قزوین به وزارت خارجه نوشته شده است و عین آن نقل خواهد گشت اشاره به واگذاری بلاعوض زمین از جانب سعدالسلطنه شده است و نیز چون بنا به مندرجات روزنامه تربیت که نقل خواهد شد، تعهد پرداخت مبلغ پنج میلیون تومان سالانه به‌عنوان اعانه برای مدرسه را کرده است، لذا آن واگذاری و شاید اعانه هم مشروط به دائمی بودن بنا برای مدرسه شده باشد.

باز در مقاله مذکور نخستین مدیر مدرسه، مرحوم شیخ عبدالعلی مؤید بیدگلی نوشته شده است و بعد از او مرحوم قاضی ارداقی و سپس مرحوم سید محمد مشاق شالی

۱. تاریخچه فرهنگ و مدارس سرزمین قزوین بر مبنای تعلیمات نوین، ج ۱، ص ۳۴.  
۲. سالنامه دبیرستان پهلوی قزوین ۱۳۱۸ شمسی (ص ۲۷ و ۲۸)

علی با نظامت آقای علی مجد، اما سندی درباره مدیریت مرحوم بیدگلی ارائه نشده است. در حالی که گذشته از نقل معمران و نوشته مطلعان به حکایت مندرجات نشریه تربیت که مقارن همان سال تأسیس مدرسه تحریف شده است، قاضی ارداقی، یعنی ملاعلی، مشهور به حاج آقا، فرزند مرحوم ملا تقی، فرزند حاج ملاعلی مشهور به قاضی ارداقی از مردم ارداق، از توابع دهستان دشتابی قزوین، نخستین مدیر مدرسه امید است.

وی مدیریت مدرسه را تا صدور فرمان مشروطیت داشته است و برادرش میرزا علی اکبر نظامت مدرسه را، و مدرسه دارای دو آموزگار و دو مستخدم بوده است.

قاضی که عضویت کمیته مجازات را نیز داشت و در توپ بستن مجلس شورا با برادرش در مجلس پناهنده شده بود، دستگیر گردید، او را به باغشاه بردند و مسموم ساختند. عکس او با سروروی مجروح از ضرب و شتم قزاقان همراه ۲۳ نفر دیگر از دستگیرشدگان و در غل و زنجیر همراه عکسی با شاگردان مدرسه امید و معلمان که در صحن مدرسه گرفته‌اند در همین کتاب خواهد آمد.

پس از قاضی ارداقی مدیریت مدرسه چندی با مرحوم شیخ محمد خوشنویس از مردم شال قزوین، ملقب به مجدالکتاب بود. افراد خاندان مجد از سرشناسان آن شهر و در خطاطی هنرمند بودند. بعد از مرحوم شالی مدیریت مدرسه را به ترتیب آقا میرزا مسعود امینی و سپس آقا میرزا محمود امینی از افراد به نام خاندان امینی قزوین بر عهده داشتند و سپس مدیریت آنجا به محمود غلامرضاخان شمس که از سال ۱۳۲۶ قمری جزء معلمان آن مدرسه بود مفوض گشت و وی تا پس از جنگ جهانی دوم (شهریور ۱۳۲۰ شمسی) این سمت را عهده‌دار بود.

مرحوم غلامرضا خان شمس مدیری لایق و باشخصیت و صاحب تمکن و از همدردان مرحومان کمال‌الملک غفاری نقاش مشهور و علامه میرزا محمدخان قزوینی و ذکاءالملک دوم بود و تدریس گلستان و تاریخ را در دوره دبیرستان خود برعهده داشت.

مدرسه امید از همان آغاز نظامات خاص داشت: بر کلاه شاگردان دوره‌های نخستین نشان مدرسه نصب بود و در فاصله سال‌های ۱۳۱۰ تا ۱۳۲۰ شمسی شاگردان به لباس متحدالشکل از پارچه بافت کارخانه کازرونی اصفهان ملبس بودند که بر برگردان یقه از دو سو نام دبیرستان یا دبستان در زمینه سرمه‌ای مليله‌دوزی شده بود. ساعات درس سه ساعت صبح و دو ساعت بعدازظهر (دو تا چهار) بود و در فاصله ساعات ربع ساعتی تنفس اعلام می‌گردید و شاگردان به صدای زنگ به حیاط مدرسه می‌رفتند و سپس با صدای زنگ در صف منظم به کلاس‌ها بازمی‌گشتند. در ماه مبارک رمضان ساعات درس یازده صبح تا پنج بعدازظهر بود و در پانزده روز آخر خردادماه به سبب گرمی هوا بعدازظهرها مدرسه تعطیل می‌شد.

در ماه رمضان ساعت دوازده (مقارن ظهر) و در ماه‌های دیگر ساعت یک بعدازظهر شاگردانی که مدرسه می‌ماندند در اطاق دفتر که فرش بر کف آن گسترده بود به جماعت

نماز ظهر و عصر به جا می‌آوردند.

هر ظهر و عصر که ساعات درس پایان می‌گرفت و شاگردان مرخص می‌شدند، همگی در سه صف منظم از مدرسه خارج می‌شدند: صفی با نظم و ترتیب به نام صف خیابان تا اول کوچه محمدیه می‌رفت و آنجا شاگردان متفرق می‌شدند و هر یک به سویی می‌رفتند؛ صف دوم با نام صف پنجه‌علی، تا حدود آن محل منظم‌اً حرکت می‌کرد و بعد پراکنده می‌شد و صف سوم صف‌بلاغی بود که با همان ترتیب به داخل آن کوچه می‌رفت و در اثناء آن هر کس به طرف روانه می‌گشت. صف‌ها را فراشان مدرسه و مبصران کلاس از در مدرسه تا محل متفرق شدن همراهی و بر نظم آن‌ها نظارت می‌کردند.

از شاگردان کلاس‌ها در آغاز شروع درس صبح حاضر و غایب به عمل می‌آمد و اگر شاگردی به خصوص از کلاس اول بدون عذر موجه غیبت داشت، فراش مدرسه به خانه او می‌رفت و او را به مدرسه باز می‌گردانید تا از همان ابتدا نظم و حضور در مدرسه ملکه ذهنی او شود. فراش باهیمنه‌ای به نام مشهدی سیفعلی به این مهم مأمور بود.

مدرسه امید که تا حدود سال ۱۳۱۰ شمسی (۱۳۵۰ قمری) شش کلاسه بود، پس از تغییر یافتن نامش به «شاهپور» با اهتمام مرحوم حکمت وزیر معارف وقت که هر سال برای سرکشی به امور معارف و بنای مدارس جدید و تشکیل کلاس‌های بالاتر به بیشتر نقاط کشور سفر می‌کرد، در بازدید خود از قزوین هر سال یک کلاس به دبستان شاهپور افزود و در نتیجه در فاصله سال‌های ۱۳۱۴ تا ۱۳۱۶ مدرسه دارای دوره اول متوسطه یعنی دبیرستان شد با همان نام شاهپور.

از شهریور ۱۳۲۰ به بعد چنان‌که اشاره شد و در دوره دوم، به تفصیل خواهد آمد، دبیرستان شاهپور ضمیمه دبیرستان پهلوی گردید و محل آن را به دبستان پهلوی که قبلاً در کوچه مقابل حمام قجر در محله درب کوشک بود دادند.

بودجه مدرسه از محل شهریه شاگردان (ماهانه دو تومان) و نیز کمکی که از محل عوارض کشتارگاه و نواقل وصول می‌گشت به عنوان اعانه تأمین می‌گردید.

هر سه ماه یک‌بار از شاگردان کلاس‌ها امتحان ثلث به عمل می‌آمد و نمرات آنان در تعرفه‌ها کارنامه‌ها (از سالی که کارنامه معمول شد) ثبت می‌گردید. نمره قبولی ۷ و معدل قابل قبول ۱۰ بود و شاگردی که در پایان سال معدل کمتر از ۱۰ در نمرات سه ثلث داشت مردود بود و همان کلاس را در سال بعد باید می‌دید.

امتحانات کلاس ششم، نهایی و از تمام شاگردان مدارس شهر یک‌جا امتحان به عمل می‌آمد. امتحانات دوره اول و دوم متوسطه نیز نهایی بود و سؤالات امتحانی همراه بازرس مخصوص از طهران فرستاده می‌شد. تصدیق‌نامه‌های کلاس ششم ابتدایی و نیز دوره اول و دوم متوسطه با امضاء وزیر معارف از طهران فرستاده می‌شد.

مدرسه امید (دبستان و دبیرستان شاهپور بعد) به سبب قدمت تأسیس و داشتن معلمان آگاه و مجرب و مدیران دلسوز و انتظامی که از همان آغاز در ارکان آن به‌وجود آمده

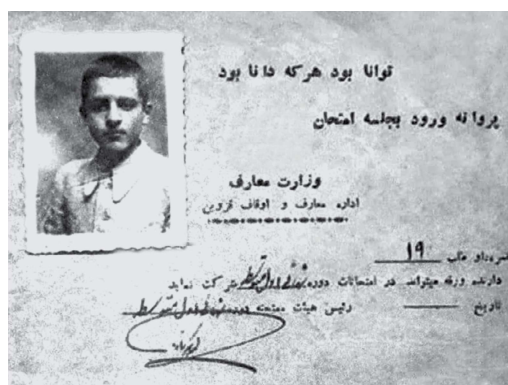




شادروان قاضی اردانی، مدیر، مدرسه امید قزوین با معلمان و دانش آموزان - ۱۲۸۳ شمسی



نمونه پروانه ورود به جلسه امتحان نهایی (ششم ابتدایی)



نمونه پروانه ورود به جلسه امتحان نهایی (سه ساله دبیرستان)

بود و توجهی که مردم شهر بدین نخستین مؤسسه آموزشی داشتند، همیشه در مسائل درسی و ورزشی و غیره برتر از دیگر مدارس بود و با اینکه فقط دوره اول متوسطه را داشت با دبیرستان پهلوی که دارای دوره کامل بود همواره دم برابری می‌زد و چند نوبت شاگرد اول مدارس تمام شهر از آنجا بود. از جمله در سال ۱۳۱۵ شمسی (ویگن مسیحیان) در امتحان نهایی ابتدایی شهر و سید ابراهیم مجابی در سال ۱۳۱۷ شمسی در امتحان نهایی دوره اول متوسطه شهر رتبه اولی را به دست آوردند. در مسابقات ورزشی نیز حال بدین منوال

مرحوم حسین شهیدی  
بانی و واگذارنده  
ساختمان‌های دبستان  
و دبیرستان شهیدی



\*سالنامه فرهنگ قزوین، (سال تحصیلی ۱۳۴۲-۱۳۴۱)

بود و در مسابقه دوچرخه‌سواری سال ۱۳۱۶ با اینکه مرحوم جواد بحرینی در سرعت و انواع حرکات دشوار با دوچرخه مهارت کامل داشت باز «سنباط مگردیچیان» از شاگردان دبیرستان شاپور بر او سبقت گرفت و جایزه دریافت کرد.

در این مدرسه کلاس‌های شبانه (اکابر) برای سالمندان نیز از آغاز تأسیس این گونه کلاس‌ها دایر بوده است و نیز در سال ۱۲۹۸ شمسی به مدت دو سال کلاس نقاشی به معلمی یحیی یمین‌السلطان فعالیت داشته و مرحوم علی‌اکبر مترجم زبان فرانسه از خدمتگزاران قدیم معارف این زبان را تدریس می‌کرده است.

مدرسه امید لابراتوار و کتابخانه نداشت، اما نقشه‌های تاریخ طبیعی بسیار مفید و آموزنده‌ای را که از طرف وزارت معارف فرستاده شده بود غالباً برای استفاده دانش‌آموزان به دیوار راهرو، فاصله کلاس‌های شمالی و جنوبی می‌آویختند. در امتحان‌های سه تلت هر سال نام شاگردان هر کلاس و رتبه و معدل آن‌ها بر اوراقی ثبت و به دیوار راهرو آویخته می‌شد تا همگان از درجه فعالیت شاگردان هر کلاس آگاه شوند.

ذکاءالملک اول درباره این مدرسه نوشته است و حکایت از اهمیت این واحد آموزشی و اصولاً اهمیت رواج آموزش و پرورش و تعلیمات نوین در قزوین داشته است.

نظامات مدرسه را پس از ناظم ثباتی به نوبت مرحوم ابوالقاسم دانش و محمد شهیدی و چندی نصرت‌الله معینی داشتند که تدریس نیز می‌کردند. مرحومان محمدتقی نوروزی، سید محمود خیری و عبدالعلی پزشکیان، سید محمد مصلائی و اسماعیل سررشته‌داری معلمان دروس مختلف بودند. مرحوم علی‌خان و نیز مرحوم علی‌آقا و مرحوم عبدالله دینگه بُرک چند سالی در کلاس‌های اول و دوم ابتدایی تدریس داشتند. معلم ورزشی به نام میربابا که از پایه‌وران شهربانی بود عهده‌دار مشق نظام و تعلیم حرکات مفید و بدنی بود. مرحومان ساهر، جدلی، سر دادور، آزادبخت و علم‌الهدی دبیران اعزامی از مرکز برای قزوین در این مدرسه نیز تدریس می‌کردند و منوچهر سرمست که خود فارغ‌التحصیل آنجا بود تعلیم زبان فرانسه می‌کرد.